

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

## کنایات و امثال و حکم در شعر انوری

استاد راهنما:

دکتر محمود عباسی

استاد مشاور:

دکتر محمد امیر مشهدی

تحقیق و نگارش:

یاسر عظیمی مقدم

کتابخانه مرکزی  
سیستان و بلوچستان

۱۳۸۸ / ۸ / ۲

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

مهر ۱۳۸۸

۱۲۷۳۷۷



این پایان نامه با عنوان کنایات و امثال و حکم در شعر انوری قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ادبیات فارسی زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو یاسر عظیمی مقدم تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمود عباسی شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

یاسر عظیمی مقدم

توسط هیئت داوران بررسی و درجه

این پایان نامه ۴ واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ  
به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

محمود عباسی

استاد راهنما:

۱۸/۷/۸۸

محمد امیر مشهدی

استاد مشاور:

محمد میر

داور ۱:

عبدالله واثق عباسی

داور ۲:

کوروش صالحی

نماینده تحصیلات تکمیلی:



دانشگاه سیستان و بلوچستان

### تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب یاسر عظیمی مقدم تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

یاسر عظیمی مقدم

تقدیم به:

آقای مهدی دهرامی دوست گرامی که در انجام این رساله همواره یاریگر من بوده اند .

## سپاسگزاری

خدای را سپاس که به من فرصت آموختن عطا فرمود تا جهان را از دیدگاهی علمی تر و زیباتر و با بینشی عمیق تر بنگرم و قدمی هر چند کوچک در راه شناخت حوزه شعر و ادب و فرهنگ کشورم بردارم.

به مصداق حدیث « من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » بر خود لازم می دانم که از همه کسانی که مرا در نوشتن این رساله یاری رساندند، تشکر و قدر دانی کنم. بیش از همه از استاد گران سنگ آقای دکتر محمود عباسی که بدون راهنمایی های مفید و سازنده ایشان انجام چنین کاری میسر نبود، همچنین از استاد بزرگوار دکتر محمد امیر مشهدی که استاد مشاور این رساله بودند و در علمی تر شدن این تحقیق از ایشان بهره ها بردم، کمال سپاس و امتنان را دارم.

علاوه بر این بزرگواران از همه استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان که در مدت تحصیل در محضر ایشان کسب فیض نمودم و خوشه چین خرمن فضل و ادب ایشان بودم بی نهایت سپاسگزارم و از خداوند برای همه این عزیزان آرزوی توفیق و بهروزی می نمایم.

## چکیده

امثال و حکم و کنایات حاصل خلاقیت ذهنی شاعر و نویسنده یا برخاسته از بطن جامعه است که هنرمند برای بیان گیراتر و جنبه های بلاغی و گاه نیز به دلایل سیاسی در شعر خویش از آنها استفاده می کند. درک این خلاقیت ها و دلیل استفاده کردن از آنها به فهم بهتر شعر، دانستن انگیزه سرایش آن و شناخت فرهنگ و باورهای یک ملت یاری می رساند. این رساله با این رویکرد به استخراج و بررسی امثال و حکم و کنایات در دیوان انوری پرداخته و در سه فصل تدوین شده است.

فصل اول کلیات است که شامل زندگی و شیوه ی شاعری انوری و تاریخچه بلاغت می باشد.

فصل دوم کنایات است و در آن کنایات به کار رفته در دیوان انوری همراه با شاهد و مثال هایی از شاعران دیگر آمده است.

در فصل سوم امثال و حکم دیوان انوری را استخراج و میزان تاثیر او بر شاعران بعد را با آوردن شاهد مثال از آنها بررسی نموده ایم. در پایان فصل دوم و سوم کنایات و امثال و حکم دیوان انوری در دسته های مختلفی تقسیم بندی شده است.

کلمات کلیدی: امثال و حکم، کنایه، انوری، تاثیر گذاری

## فهرست مطالب

۱.....	فصل اول: کلیات
۲.....	مقدمه
۳.....	زندگی و شیوه شاعری انوری
۹.....	تاریخچه بلاغت
۱۰.....	علم بیان
۱۳.....	فصل دوم: کنایه
۱۵.....	ساختار کنایه
۱۹.....	کنایات در دیوان انوری
۱۱۱.....	تقسیم بندی کنایه بر اساس وسائط
۱۲۰.....	کنایات فعلی
۱۳۱.....	تقسیم بندی کنایه بر اساس واژگان
۱۳۷.....	فصل سوم: امثال و حکم
۱۴۱.....	امثال و حکم دیوان انوری
۱۸۱.....	تقسیم بندی امثال و حکم
۱۸۵.....	نتیجه
۱۸۶.....	کتابنامه



## فهرست علائم و نشانه های اختصاری

نشانه اختصاری	معانی و مفاهیم
←	رجوع کنید
ج	جلد
ص	صفحه
چ	چاپ
غیاث	غیاث اللغات
قص	قصیده
قط	قطعه
غ	غزل
معین	فرهنگ معین
فرهنگ نوادر	فرهنگ نوادر ، تعبیرات و ترکیبات عطار
لغت نامه	لغت نامه دهخدا
برهان	برهان قاطع
نظام	فرهنگ نظام
نفیسی	فرهنگ نفیسی
آنندراج	فرهنگ آنندراج

فصل اول

کلیات

## مقدمه

شعر محل تجمع عقاید، اندیشه‌ها، تخیلات و باورهاست که در قالبی آهنگین بیان می‌شود. شاعر از اجتماع بر خاسته و بین مردم زیسته و با آنها معاشرت دارد و ارتباط زبانی و فکری شاعر با جامعه، ارتباطی دو سویه است یعنی زبان او، زبان مردم جامعه است یعنی فرهنگ و فرهنگ او بر خاسته از آن ملت است.

به طور کلی جامعه با همه فرهنگ، آداب و رسوم و باورها و هنجارهای خود، یک شاعر را می‌پروراند از سوی دیگر شاعر، با این مواد خام با استفاده از قدرت خلاقیت و نبوغ خویش با آفرینش سخنان شیوا و حکیمانه خود موجب باروری بیشتر فرهنگ یک جامعه می‌شود.

صور خیال مهمترین عنصر سازنده ی شعر است و در این میان کنایه و امثال و حکم از مهمترین عناصر صور خیال محسوب می‌شوند. ارتباط دو سویه ی این دو عنصر بین جامعه و شاعر بیشتر از عناصر دیگر صور خیال است. زیرا خاستگاه برخی کنایات و امثال و حکم جامعه و برخی دیگر شاعران و نویسندگانند.

از سوی دیگر شاعر برای تاثیر گذاری شعر آنها را با تمهیدات هنری می‌آراید. کنایه و مثل شاعر را در رسیدن به این هدف یاری می‌رساند. زبان ادبی، زبانی مجازی برای بیان عواطف و احساسات است. کنایه از مهمترین عناصری است که در تبدیل زبان رسمی به زبان مجازی نقش دارد. شاعر در بکارگیری کنایه کمال دقت و توجه را بکار می‌برد تا بتواند این عنصر را هنری تر و زیباتر در شعر خود جلوه دهد.

در فرهنگ هر ملتی آداب و رسومی وجود دارد که این آداب و رسوم گاه معنایی کنایی در بر دارند و خاستگاه آنها همان مکانی است که این آداب و رسوم رایج بوده است. مثلا وقتی کسی به مهمانی می‌رفت شال و کلاه می‌کرد، اما در جامعه امروزی خبری از این رسم نیست. یا «دست شستن از کاری» معمولا بعد از اتمام غذا دست‌ها شسته می‌شوند و این بدان معنی است که دیگر میلی به غذا ندارد.

بنابر این بیشتر کنایات و امثال و حکم خاستگاهی مردمی دارند و بیانگر این مطلب است که شاعر به آداب رسوم مکان زندگی خود توجه زیادی داشته است.

بنا براین بررسی کنایه و امثال و حکم از چند دیدگاه حائز اهمیت است. اول شناخت بهتر فرهنگها و باورهای جامعه، دوم میزان خلاقیت و نو آوری شاعر، سوم بررسی زیبا شناسی شعر.

## زندگی و شیوه شاعری انوری

اوحدالدین محمد بن محمد یا اوحد الدین علی بن اسحاق انوری ابیوردی ، از شاعران بزرگ نیمه دوم قرن ششم هجری است. انوری لقب یا تخلصی است که پس از تخلص اول یعنی خاوری اختیار کرده و گویی بزرگان عصرش بدین لقب خوانده اند . (فروزانفر ، ۱۳۶۹ : ۳۳۲)

وی هم زمان تحصیل علم و ادب نمود و از علومی مثل ریاضی ، نجوم و... آگاهی داشت و در شعر نیز از آنها بهره گرفته است .

در ایام جوانی به دربار سنجر راه یافت دولت شاه سمرقندی عقیده دارد که وی ناگهان به شاعری روی آورد و در آغاز شاعر نبود و وهنگامی که در مضیقه مالی افتاد تصمیم گرفت شاعر شود: وی می گوید: «انوری بر در مدرسه نشسته بود دید که مردی محتشم با غلام و اسب و ساز تمام می گذرد ، پرسید که این کیست ؟ گفتند مردی شاعر است . انوری گفت سبحان الله پایه علم بدین بلندی و من چنین مفلوک و شیوه شاعری بدین پستی و او چنین محتشم به عزت و جلال ذو الجلال که من بعدالایوم به شاعری که دون مراتب من است مشغول خواهم شد.» (دولت‌شاه ، ۱۳۳۸ : ۲۵)

وی اولین قصیده او را در مدح سلطان سنجر و به این مطلع می داند :

گر دل و دست بحر و کان باشد      دل و دست خدایگان باشد

(قص ۶۰، ص ۱۳۵)

معمولاً چنین داستان های افسانه آمیزی درباره بسیاری از شاعران ساخته شده است .

صفا این داستان را نمی پذیرد وی می گوید: «این قصیده یکی از امهات قصاید انوری است و بسیار بعید به نظر می آید که چنین قصیده ی آراسته و کم نظیری ، نخستین شعر شاعری باشد .» (صفا ، ۱۳۷۳ : ۶۵۹)

« از جمله حوادث زندگی انوری آزاری ایست که از بلخیان بدو رسیده است داستان این آزار را دولت‌شاه به اشتباه مربوط به واقعه پیش گویی انوری دربار قران کواکب دانسته است که صحیح نیست. وفات انوری را دولت‌شاه سمرقندی در سال ۵۴۷ در بلخ دانسته است و گفته است قبر او هم در بلخ است در جنب مزار سلطان احمد خضرویه و بعضی روایات دال بر آن است که انوری در اواخر عمر خود از خدمت درباری گوشه گرفت و در بلخ میزیسته است و درباره سال وفات این شاعر روایات دیگری نیز هست از قبیل هدایت که آنرا سال ۵۷۵ دانسته است و جامی خلیفه آنرا بسال ۵۶۵ نوشته و ... قول دولت‌شاه باطل است زیرا اولاً در دیوان انوری اشاره بواقعه

غزاست (سال ۵۴۸)... براون ضمن بیان احوال انوری در جلد دوم تاریخ ادبیات خود وفات او را به عقیده خود در

سال ۵۸۱ و به عقیده اته و ژوکوفسکی در سالهای میان ۵۸۵ - ۵۸۷ دانسته است. «همان: ۶۵۹»

شیوه شاعری انوری :

انوری شاعر تیز بین، آگاه از دانش های مختلف و دارای طبعی مقتدر و توانا در آفرینش مضامین تازه و نو است . او را دارای سبک خاصی می دانند فروزانفر در این باره می نویسد «سبک اختراعی او به واسطه نزدیک کردن بیان شعری به محاوره عمومی حاصل گردیده و ابیاتش اگر چه بر معانی دور از ذهن عموم و عمق بی نهایت که از اسباب فساد شعر است مشتمل بود به واسطه سوال و جواب های جا افتاده و دقیق و شیرین لطافت و حلاوت مخصوصی به خود گرفت و همین سبک پس از یک قرن سیر تکاملی در بهترین صورت و خوشترین اسلوب بر

زبان سعدی شیرازی جلوه کرد. «(فروزانفر ، ۱۳۶۹ : ۳۴۴)

وی از بزرگترین شاعران فارسی است که تاثیر زیادی در روند شعر فارسی داشته است . تا جایی که سعدی را پیرو او می دانند . مهمترین ویژگی شعرا و استفاده از زبان محاوره در شعر است .

« وقتی انوری سادگی و روانی کلام خود را با خیالات دقیق غنایی به هم می آمیخت ، غزلهای شیوای زیبای مطبوع و دل انگیز خود را پدید می آورد . « (صفا ، ۱۳۷۳ : ۶۶۷)

با این وجود ، همیشه زبان او ساده و قابل فهم نیست . احاطه ی او بر دانش های مختلف مثل نجوم و فلسفه و... و بکارگیری آنها در شعر ، باعث که برخی اشعار او احتیاج به شرح و تفسیر داشته باشد .

فروزانفر یکی از ویژگی های شعر او کاربرد فراوان ترکیبات و مفردات عربی در شعر می داند از جمله :

بخت بیدار تو حی لاینام      ملک تایید تو ملک لایزال

(قص ۱۱۴ ، ص ۲۸۷)

من بر آنم که مدیح تو برانم بر خاک      تا شود خاک سیه کن فیکون زر عیار

(قص ۷۱ ، ص ۱۶۸)

لون رخسار ضمیرت رائنا گفت آفتاب      لون او شد احسن الالوان و هو المستنیر

(قص ۹۴ ، ص ۲۴۴)

اشعار او شامل قصیده، قطعه، غزل و رباعی است و قصاید او همگی در ستایش و مدح بزرگان است. «در بعضی مواقع، معنی را بیش از حد معتاد مکرر می نماید، گاهی برای اظهار قدرت طبع خود را به قوافی مشکل انداخته، حلاوت بیان و پر مغزی اشعارش را از دست می دهد.» (فروزانفر، ۱۳۶۹: ۳۳۷)

قطعات او از گذشته معروف بوده است که مضامین بیشتر آنها اخلاقی است با این وجود معانی مثل هجو، مدح، و تمثیل نیز در آنها دیده می شود.

غزلیات او زیبا و لطیف است به گونه ای که مورد توجه سعدی قرار گرفته و بسیاری از غزلیات خود را به استقبال از غزلیات انوری سروده است.

### اخلاق و شخصیت انوری:

اگر شعیب شاعر را آینه اخلاقیات و درونیات شاعر بدانیم باید انوری را دارای شخصیتی متغیر دانست. گاهی مناعت طبع دارد و هیچ مطالبه ای از ممدوح ندارد و کیمیایی بهتر از قناعت نمی شناسد:

رو قناعت گزین که در عالم کیمیایی به از قناعت نیست

(قص ۳۱، ص ۷۳)

ولی گاهی از ممدوح تقاضای پنبه و روغن دارد و از طلب آن هیچ ابایی ندارد:

بس این سردی و تاریکی که در من هست بازم خر از این سردی و تاریکی به اندک پنبه و روغن

(قص ۱۴۳، ص ۳۶۷)

فروزانفر درباره او می نویسد: «انوری از معلومات بی کران خود سودی ندیده و اشخاص نالایق را به واسطه ی هزالی و یاوه سرایی و تملق در بهترین وضع و خوشترین زندگانی ملاحظه کرده ناچار از معاصرین و معلومات خود متنفر گردیده بد بین شده است و از این طرف برای تنظیم امور معیشت با کمال کراهت به شاعری پرداخته و راه زشت هجا و تقاضا را پیش گرفته است» (فروزانفر، ۱۳۶۹: ۳۳۸)

شاید حس ناامیدی و پذیرش چیزی بر خلاف دلخواه باعث نوعی دگرگونی و بلا تکلیفی در شخصیت او شده باشد و همین امر باعث شده که ثبات عقیده و استواری در اندیشه او کمتر دیده می شود.

انوری مانند هر شاعر و متفکر و دانشمندی در پی این بوده که از علم و دانش و استعداد خود بهره گرفته و نیاز های مادی خود را رفع و حتی به عشرت و لذائذ زندگی برسد.

وی هر چند در بیشتر موارد عفت کلام دارد و زبان خود را آلوده به واژه های رکیک نمی سازد ولی باز هم در برخی قصاید و قطعات خود از آوردن واژه ها و معانی مستهجن پرهیز نمی کند و دیگران را مورد هجای خود قرار می دهد و خود نیز اشاره کرده که در شعر او هم مدح و هم هجو وجود دارد.

غزل و مدح و هجا می گویم یا رب زنهار      بس که بانفس جفا کردم و با عقل ستم

(قص ۱۳۰، ص ۳۳۴)

### حوادث زندگی انوری :

زندگی انوری آمیخته با افسانه های مختلفی آمده است که در تذکره ها به آنها پرداخته شده است . ما به یک داستان در مورد زندگی او که هم به واقعیت نزدیک تر است و هم شهرت بیشتری که بطور مجمل باز گو می کنیم . برای جزئیات بیشتر می توان به مقدمه دیوان انوری به تصحیح مدرس رضوی (ص ۲۴) و مفلس کیمیا فروش (ص ۳۲) و سخن و سخنوران (ص ۳۳۷) مراجعه کرد .

هجو مردم بلخ :

می گویند که انوری در قطعه ای طنز آمیز ، شهر بلخ و مردم آن را هجو گفت :

«بلخ شهریست در آکنده به اوباش و رنود      در همه شهر و نواحیش یکی بخرد نیست»

این شعر باعث برانگیختن خشم و نفرت مردم بلخ شد . کیسه ای بر سر او کشیدند و در شهر گرداندند و خواستند که او را بکشند . اما با پا در میانی جمعی از بزرگان شهر مانند قاضی حمید الدین بلخی ، ابوطالب نعمه و... نجات یافت . سر انجام انوری در قصیده ی غرای به مطلع :

ای مسلمانان فغان از دور چرخ چنبری      وز نفاق تیر و قصد ماه و کید مشتری

(قص ۱۹۰، ص ۴۶۹)

خود را از سرودن قطعه نخست مبری ساخت .

### انوری و شعر فارسی :

شعر فارسی مانند رودخانه ی خروشان است که هر جویباری به آن متصل شود ، خواسته و ناخواسته همراه با آب های که از سرچشمه های دور و نزدیک می آیند جاری خواهد شد و بر جویبارهای بعد تأثیر می گذارد.

شعر فارسی از آغاز به سوی تکامل پیش می رفت. شاعران بنا به اشتراکات روحی و عقیده ای لز برخی شاعران پیشین تأثیر می پذیرفتند. انوری به شاعران زیادی توجه داشته است شاید بیش از همه تحت تأثیر ابوالفرج رونی باشد «انوری پیوسته تتبع سخن او کردی و دیوان او را همواره در نظر داشتی» (عوفی، بی تا: ۳۱۹)

از شاعران دیگری هم تأثیر پذیرفته و مستقیم در شعر خود از آنها نام برده است می توان به امیر معزی و ازرقی اشاره کرد:

نه هر که را بلقب با کسی مشابهت است	شبهه اوست چنان چون یمین به شمال
دال نیز چو دال است در کتابت و لیک	بششصد و نود شش کم است دال از دال
ببین که میر معزی چه خوب می گوید	حدیث هیت پینو و شکل کعب غزال
در این مقابله یک بیت ازرقی بشنو	نه بر طریق تهجی بوجه استدلال
زهرد و گیاه سبز هر دو هم رنگند	ولیک زین بنگین دان کشند از آن بجوال

(قص ۱۱۳، ص ۲۸۶)

انوری را می توان آغازگر مسیری دانست که با سعدی به آخرین حد شکوفایی خود رسید. این تأثیر پذیری سعدی از انوری از چند لحاظ قابل بررسی است:

۱- از نظر صوری و عناصر موسیقایی: سعدی غزلهای زیادی را بر پایه ی وزن و قافیه شعر انوری سروده است:

حسن تو گر هم بر این قرار بماند      قاعده ی عشق استوار بماند

(غ ۱۱۵، ص ۸۲۸)

حسن تو دایم بر این قرار نماند      مست تو جاوید در خمار بماند

(سعدی، ۱۳۸۴: ۵۶۵)



۲- از نظر واژگانی و زبانی : علی دشتی می نویسد: «در غزل که مجال هنر نمایی کم تر و شاعر در مقام بیان انفعالات و تأثرات خویش است و نمی خواهد با الفاظ فخیم و ترکیبات پر صدا ممدوحی را از خود راضی کند. خصوصیت سبک انوری بیشتر ظاهر می شود، به حدی که کما بیش مزایای زبان غنایی سعدی را در وی می یابیم.» (دشتی، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

مولوی هم به انوری توجه داشته است در این غزل می شود گفت مولوی بن مایه اصلی کار خود را از انوری گرفته باشد :

جانا به غریستان چندین بنماند کس	باز آی که در غربت قدر تو نداند کس
صد نامه فرستادم یک نامه ی تو نامد	گوئی خبر عاشق هرگز نرساند کس

(غ، ۱۷۳، ص ۸۶۳)

جانا به غریستان چندین به چه می مانی	باز آ تو از این غربت تا چند پریشانی
صد نامه فرستادم صد راه نشان دادم	یا نامه نمی خوانی یا راه نمی دانی

(مولوی، ۱۳۵۱: ۲۳۲۷)

از شاعران متأخر نیز می توان به پروین اعتصامی اشاره کرد که قطعه ی «اشک یتیم» او به تاثیر موسیقایی و محتوایی شعر انوری است .

آن شنیدستی که روزی زیرکی با ابله‌ی	گفت کین والی شهر ما گدائی بی حیاست
(قط، ۴۰، ص ۵۲۸)	

روزی گذشت پادشهی از گذر گهی	فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
پرسید زان میانه یکی کودک ییتیم	کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۲: ۱۸۲)

## تاریخچه بلاغت :

«بلاغت عبارت از رسانیدن معنی بوسیله الفاظ شیوا و با شکوه در دل و جان مخاطب است به همان صورتی که در نهان خانه باطن و روح گوینده وجود دارد.» (رضا نژاد، ۱۳۶۷: ۳۰)

با ظهور اسلام و نزول قرآن، مسلمانان تحت تاثیر بلاغت و فصاحت قرآن قرار گرفتند «علوم بلاغی برای شناسایی اعجاز قرآن بوجود آمد و در زبان فارسی برای شناختن نظم و نثر فصحا و بلغا.» (علوی مقدم، ۱۳۷۶: ۳۰۰) ادبا و نقادان به مرور زمان، علوم بلاغی را معیاری برای شناسایی و بررسی سخنان ادبی قرار دادند. «علم بلاغت به چهار بخش عمده تقسیم می شود :

۱- معانی (مطابقت کلام با مقتضای حال)

۲- بیان (ایراد معنی واحد به طرق مختلف)

۳- بدیع (علم زیبایی و آرایش سخن)

۴- عروض (میزان سخن منظوم)

(میرزانی، ۱۳۸۲: ۸۲۲)

«نویسندگان کتب بلاغی زبان فارسی از اشعار شاعران نخستین برای فنون بدیعی و صنایع معنوی مثال آورده اند که خود دلیل است بر این که شاعران فارسی زبان از فنون بلاغت در اشعار خود استفاده می کرده اند؛ لیکن در این دوره کتابی در بلاغت فارسی نوشته نشده و اصطلاحات خاصی نیز وضع نگردیده است.» (علوی مقدم، ۱۳۷۲: ۳۷۸، ۳۷۷)

«قلمرو بلاغت در حسن ایجاز، کمبود مجازات، زیادت ایجاز، تناسب و اقتضای زمان و مکان، شیوایی بیان و استحکام اسلوب سخن است. جعفر بن خالد بلاغت را در تقریب معانی دور از اندیشه و دلالت بر معانی بسیار با الفاظ اندک می داند و دیگری در حسن استعاره و حذف زیادت های سخن و تقریب معانی بعید دانسته است. جالینوس بلاغت را در «ایضاح المعضل و فك المشكل» دانسته و خلیل بن احمد، واضع فن عروض، آن را بدین عبارت معنی و تعبیر می کند: «ما قرب طرفاه و بعد منتهاه.» (رضا نژاد، ۱۳۶۷: ۳۳)

«کتابی که در زمینه ی بلاغت فارسی نوشته شده است بسیار کمتر از کتب عربی است. قدیمی ترین اثری که به جا مانده، «ترجمان البلاغه» اثر محمد بن رادویانی است که در سال ۵۰۷ ه.ق تصنیف شده است. بعد از ترجمان البلاغه رادویانی کتاب «حدائق السحر فی دقایق الشعر» از رشیدالدین وطواط است که در سال های (۵۵۲-۵۵۱ ه. ق) تالیف شده است» (همان، ۱۳۸۱: ۱۷)

«پس از آن دو کتاب «المعجم فی معاییر اشعار العجم» است که در اوایل قرن هفتم هجری حدود سال ۶۳۰ ه.ق به وسیله ی شمس الدین محمد بن شمس قیس رازی نوشته شده است. در قرن هفتم هجری کتاب دیگری به نام «معیار الاشعار» به وسیله ی خواجه نصیر طوسی در عروض فارسی نوشته و تالیف شده است. «مدارج البلاغه» به وسیله ی خواجه نصیر طوسی در عروض فارسی نوشته شده است. (علوی مقدم، ۱۳۷۲: ۳۲۰)

## علم بیان :

کزآزی بیان را این گونه تعریف می کند: «بیان دانشی است که در آن از چگونگی بازگشت و باز نموده اندیشه ای به شیوه های گوناگون سخن می رود، شگردها و ترفند های شاعرانه را بر می رسیم که سخنور، با آرمان زیبا شناختی، برای باز نمود اندیشه های خویش، به گونه ای زیبا و هنری به کار می گیرد.» (کزآزی، ۱۳۷۵: ۳۰)

محمد هادی مازندرانی در تعریف بیان اینگونه می نویسد «و آن اصول و قواعدی است که به سبب معرفت آن ها به متکلم می تواند تعبیر از هر معنی به چند لفظ مختلف در وضع داشته باشد، یعنی می توان هر معنی که به خاطرش رسد، چند عبارت ذکر کند همه دلالت بر آن معنی کنند به دلالت مطابقه و تضمن و التزام حیثیتی که دلالت الفاظ و عبارات بر آن معنی بعضی واضح باشد و محتاج به دلیل دیگر و قرینه ی خارجه نباشد و معنی خفی باشد که بدون انضمام و قرینه، دلیلی دیگر سامع منتقل به آن معنی می شود. منشأ و اختلافات دلالت در وضوح و خفا، موجود بودن لفظی است و عدم وضع لفظی دیگر از برای آن معنی.» (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۲۴۳)

ثروتیان معتقد است که زبان گزارش هنر و ادبیات با منطق ریاضی است و بی دریافت درست آن شناخت معنی هنر مکتوب، ممکن نمی گردد. او می نویسد: «در فن بیان است که معنی دوم بر اساس قانون های نهاده در صورت های خیالی قابل تشخیص است و تنها در این فن است که از ایراد معنی واحد به طرق مختلف بحث می شود. فن بیان و قواعد و قوانین آن در در همه ی زبان ها و زمان ها یکی است و یکی بوده است و همچنان که با پیدایش هر زبانی، قواعد دستوری آن زبان نیز خلق شده است و با آن زبان همراه بوده و رشد کرده است و می کند، با پیدایش هنر ادبیات در هر زبان، چهار شکل تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه بیانگر ظهور هنر ادبیات از چشمه ی زبان بوده و با گذشت زمان به مانند همین شکل ها، خود شکل گرفته و به سوی تکامل خویش روان است و همچنین موجودی زنده به حیات خود ادامه می دهد.» (ثروتیان، ۱۳۸۳: ۷۰-۶۹)

صادقیان می نویسد: «بیکرانه ترین حوزه ی خلاقیت در ادبیات، علم بیان یا قلمرو صور خیال است. معانی در انحصار هیچ کس نیست و هر کس از دیدن مناظر زیبا به وجد می آید و از روبه رو شدن با صحنه های رقت بار و

ناخوشایند زندگی، متاثر و متالم می شود. هر پدیده از پدیده های زندگی را می توان با نیروی تخیل با هزاران تصویر ارائه داد.» (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۳۲-۱۳۱)

خیال، عنصر و جوهر اصلی شعر است و از نیروی تخیل انسان ناشی می شود. هر شاعری با توجه به ذهن و خیال خود، تصاویر خیالی مخصوص به خود را در شعرش ارائه می دهد. چهار موضوع اصلی تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه، ستون های اصلی خیال را تشکیل دهند.

## هدف

نشان دادن قدرت انوری در به کار گیری امثال و حکم و کنایات و تاثیر او بر شاعران دیگر و نشان دادن فرهنگ و آداب رسوم قرن ششم با بررسی امثال و حکم و کنایات انوری و همچنین نشان دادن خلاقیت و نوآوری انوری در آفرینش کنایات و امثال و حکم نوین که یکی از دلایلی است که به حق او را شایسته لقب یکی از سه پیامبر شعر فارسی کرده است.

## پیشینه و اهمیت تحقیق

تا جایی که نگارنده می داند هنوز در مورد اشعار انوری چنین تحقیقی انجام نگرفته است. از آنجا که اشعار انوری گنجینه ای از امثال و حکم و کنایات و تعبیرات است و شعر او را بدون آشنایی با این جنبه های بلاغی نمی توان به خوبی درک کرد، انجام این تحقیق که هم برای فهمیدن بهتر اشعار او و هم گردآوری یک مجموعه امثال و حکم که می توان از آن در درک اشعار دیگران نیز استفاده نمود بیشتر ضروری می نماید.

## روش انجام تحقیق

ابتدا با مطالعه دقیق دیوان انوری کنایات و امثال حکم موجود در دیوان وی را استخراج کردیم و پس از انجام این مرحله به فرهنگهای کنایی و منابع مربوط به امثال و حکم مراجعه و توضیحاتی در زمینه معنا، کاربرد و خاستگاه آنها یافتیم. پس از آن برای نشان دادن تاثیر گذاری یا تاثیر پذیری انوری نسبت به شاعران دیگر به دیوان شاعرانی مانند سعدی، مولوی، حافظ، ناصر خسرو، سنایی، عطار و... مراجعه و شاهد مثال هایی از آنان را نیز آوردیم.

## سوالات تحقیق:

با انجام این تحقیق سعی داشته ایم پاسخی علمی برای سوالات زیر بیابیم: